

مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت □

محسن فرمهبینی فراهانی^۱

سید علیرضا صفوی^۲

چکیده

هدف اساسی پژوهش حاضر، ترسیم الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی بر مبنای قرآن و سنت است. بر این اساس، سه سؤال پژوهشی در خصوص «تأکید امام خمینی در رابطه با فرهنگ مطلوب دانشجویی»، «ارزشهای حاکم بر فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت» و «اعمال دانشجویی در فرهنگ مطلوب دانشجویی از منظر قرآن و سنت» مطرح و مورد مطالعه قرار گرفت. **روش** انجام پژوهش، توصیفی و از نوع مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بود. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که عمده‌ترین مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی بنا بر زمینه‌های مورد بررسی، شامل خدامحوری، حق‌مداری، آخرت‌گرایی، هدایت‌جویی، عقل‌ورزی، علم‌آموزی، هماهنگی با مسیر انبیا، نورانیت در علم و عمل و اخلاق، احترام به استاد، تلاش و کوشش، نظم و برنامه‌ریزی، نوآوری و خلاقیت، دوری از غریب‌زدگی و اهتمام بر خودکفایی، شکرگزاری و دقت در انتخاب دوست است. **نتیجه‌گیری:** نتیجه‌ی پژوهش مبین آن است که فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت از جایگاه مهمی در منظومه‌ی فرهنگی اسلام برخوردار می‌باشد که با تبیین آن گامی اساسی در راستای عملیاتی نمودن اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان منادی اسلام ناب محمدی در عصر حاضر، پیرامون اسلامی شدن دانشگاه‌ها برداشته خواهد شد.

واژگان کلیدی: اسلام، قرآن، سنت، امام خمینی (ره)، فرهنگ.

□ دریافت مقاله: ۹۰/۰۳/۲۸؛ تصویب نهایی: ۹۰/۱۰/۱۶

۱. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) / آدرس: ابتدای آزاد راه تهران-قم، روبروی مرقه امام، دانشگاه شاهد، ساختمان

مرکزی / نمابر: ۰۲۱۵۱۲۱۳۰۳۸ / Email: farmahinfar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش / Email: alirezazafavi55@yahoo.com

■ مقدمه

فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و همه پیشرفتهای جامعه در پیشرفت علوم، اعتقادات و ارزشهای آن منعکس است. بدین‌سان همه امور جامعه، بستگی تام به فرهنگ دارد و خوشبختی و انحطاط ملتها در گرو فرهنگ جامعه است. (تری یاندریس، ۱۳۸۸)

در هر فرهنگ، مفاهیم بنیادینی وجود دارد که حیات و ملمات فرهنگ به حضور و غیبت آن مفاهیم در ذهنیت، اندیشه و باور وابسته است و تنها از آن حیث که در ظرف ذهن و باور عده‌ای از انسانها حاضر می‌شوند، فرهنگ و تمدنی ویژه را تشکیل می‌دهند، نه از آن حیث که دارای احکام علمی ویژه‌ای هستند یا در کتب درسی و گفتگوهای علمی می‌توانند مطرح شوند. در مواجهه دو فرهنگ، هر گاه فرهنگی بتواند مفاهیم اصولی و حیاتی خود را در قلمرو زیستی فرهنگ دیگر، وارد و به موازات آن، مفاهیم کلیدی فرهنگ سابق را منزوی و به خصوص لغاتی را که برای آن مفاهیم پرداخته شده‌اند، تسخیر کند و مفاهیم مربوط به خود را در طرف آن لغات و کلمات قرار دهد، بدون شک پیروز است و فرهنگی که نتواند مفاهیم اصلی خود را حفظ کند، محکوم به نابودی است. (پارسانیا، ۱۳۷۸)

فرهنگ جاهلیت پیش از اسلام بر محور برخی مفاهیم که در تکوین یک نظام اجتماعی دخیل بودند، استوار بود. این مفاهیم را مواردی چون: قبیله، عشیره، ولاء و اصنامی که در شبه‌جزیره عربستان برای قبیله‌های کوچک و بزرگ وجود داشت، کعبه، ماههای حرام، برده، ثروت و مال، فرزند پسر و مانند آنها تشکیل می‌دادند. تمام شخصیت افراد در گرو انتساب آنها به قبیله‌شان بود و رابطه‌ای خونی این نسبت را بیشتر تأمین می‌کرد. اقتدار قبیله به منزله اقتدار فرد منتسب به آن قبیله بود و افتخارات موهوم قبیله‌ای، نظیر کثرت مردگان، بر اعتبارات شخصیتی افراد می‌افزود. قرآن در اشاره به این مسئله می‌فرماید: «الهیکم التکاثر حتی زرتم المقابر» (تکاثر، آیه ۲-۱). اما اسلام با حضور خود، مفاهیم نوینی را در زندگی مردم وارد کرد (همان). اسلام با ورود به صحنه آگاهی، اعتقاد و رفتار مردمی که تمام شخصیت آنها در مناسبات قومی و قبیله‌ای شکل می‌گرفت، به یکباره آنها را در دو طرف پیکار خونینی قرار داد که با همه جنگها و ستیزه‌های قبیله‌ای تفاوت داشت. در دو طرف جنگ بدر، افراد قبیله واحد بر سر توحید و کفر بر روی یکدیگر شمشیر کشیدند؛ در جنگ احزاب، شبه‌جزیره عربستان بر اساس مفاهیم جدید بسیج شدند و در فتح مکه، اسلام بر کفر پیروز شد؛ مفاهیم جدیدی که از مجرای وحی و نبوت پیامبر (ص) نازل شد، با عمل و رفتار مؤمنان در شبه‌جزیره گسترش یافت و بنیانهای تکوین امت واحد جهانی را فراهم آورد. (پارسانیا، ۱۳۷۸)

در فضای فرهنگی اسلام و در پرتو تعالیم وحی و روش تربیتی معصومین (ع)، علما و دانشمندان نامداری

مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت ♦ ۸۳

پرورش یافتند که در تکوین منظومه فرهنگ اسلامی نقش مهمی را ایفا کردند. از آنجا که نقش تربیت در شکل‌گیری تمدن اسلامی انکارناپذیر می‌نمود، اندیشمندان مسلمان در ترسیم الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی اهتمام کرده، با استفاده از قرآن و احادیث، آثار مهمی را تدوین کردند. در همین راستا، شیخ طوسی (۶۷۲-۵۹۷ هـ.ق) کتاب «آداب المتعلمین» را که حاوی یک مقدمه و ۱۲ فصل است، به رشته تحریر درآورد. در این اثر، موضوعاتی همچون: علم و فضیلت آن، نیت دانشجوی در مسیر کسب دانش، همت، پرهیزگاری، عوامل تقویت حافظه، زمان تحصیل و شروع درس و آنچه باعث وسعت رزق و طول عمر می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. شهید ثانی (۹۶۵-۹۱۱ هـ.ق) در کتاب «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید» در همین زمینه مباحثی همچون: اقسام علوم، آداب نگارش و نگاهداری کتاب، شرایط و آداب بحث و مناظره، آداب و وظایف ویژه دانشجوی، آداب و وظایف ویژه معلم، شرف و فضیلت دانش و دانشمند و دانشجو از دیدگاه‌های مختلف را مطرح کرده است. وی در این اثر، از کتاب «تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم» بدرالدین بن ابی‌سحاق (م. ۷۳۳ هـ.ق) اقتباس کرده و روایاتی از احادیث شیعی بدان افزوده است تا از این رهگذر به همبستگی مسلمانان، مددی رسانده باشد. حجتی (۱۳۸۷) در کتاب «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» که ترجمه‌ای گزارش‌گونه از «منیه المرید فی آداب المفید و المستفید» است، به زندگی‌نامه شهید ثانی، استخراج منابع و مآخذ احادیث و روایات و آثار و اشعار، توضیح و تبیین برخی از احادیث، افزودن بخشی بر پایان ترجمه در مورد آداب اقامت و سکنا در مدرسه از کتاب تذکره السامع و فهرست آیات و احادیث در آن اشاره کرده است.

پیروزی نهضت مردمی امام خمینی (ره) زمینه‌ای را فراهم کرد تا جامعه‌ای ایده‌آل بر اساس مفاهیم اسلامی شکل بگیرد. ایران سالهای متممادی تحت سیطره فرهنگ غربی، استقلال خود را از دست داده بود؛ حال آنکه اعتبار یک ملت، وابسته به استقلال آن جامعه است و اگر این مؤلفه خدشه‌دار شود، به ویژه در عرصه فرهنگ، نابودی اش حتمی خواهد بود. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

«تا این ملت از غربزدگی بیرون نیاید، استقلال پیدا نمی‌کند... تا از این تقلید بیرون نیاید، نمی‌توانید آدم باشید و نه می‌توانید مستقل باشید. اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند، بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید درست بردارید. از مردم می‌خواهیم تا بر پایه‌های اسلامی خویش تکیه زنند و بر غرب و غربزدگان که موجب نابودی فرهنگ آنان شده است پشت پا زنند. خود را از وابستگی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به هر وسیله شده است نجات می‌دهیم. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی

و ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکال به اجانب پرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید». (جعفرزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۰-۹)

ایشان در ارتباط با لزوم هوشیاری نسبت به انحراف در فرهنگ فرموده‌اند:

«درباره فرهنگ هر چه گفته شود، کم است. می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگانها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند و نسل آینده را آنچنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و به سر خود و کشور آن آورد که در طول رژیم ستم‌شاهی و به خصوص ۵۰ سال سیاه بر سر کشور آمده ... خروج از فرهنگ بدآموز غرب و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلابی فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق و ریشه‌دار غرب مبارزه کرد». (همان، ص ۳۷)

هدف اصلی مقاله حاضر، ارائه مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت است. در این رابطه، نخست به دیدگاه معمار کبیر انقلاب اسلامی و تأکید ایشان در رابطه با فرهنگ مطلوب دانشجویی اشاره خواهد شد. سپس ارزشهای حاکم بر فرهنگ مطلوب دانشجویی بر اساس قرآن و سنت و مؤلفه‌های اعمال دانشجو در فرهنگ مطلوب دانشجویی از منظر قرآن و سنت تعیین و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

▪ سؤالات اساسی پژوهش

۱. تأکید امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ مطلوب دانشجویی چیست؟
 ۲. مؤلفه‌های ارزشی حاکم بر فرهنگ مطلوب دانشجویی بر اساس قرآن و سنت چیست؟
 ۳. مؤلفه‌های اعمال دانشجو در فرهنگ مطلوب دانشجویی از منظر قرآن و سنت شامل چه مواردی است؟
- روش پژوهش؛** پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است. روش توصیفی عبارت از بیان واقعی موضوعات مختلف است. در این روش، محقق بر اساس اطلاعات توصیفی به تشریح موضوع می‌پردازد.

جامعه پژوهش؛ شامل همه منابع (کتابها، مقالات و پایان‌نامه‌ها) مرتبط با موضوع مورد بررسی است.

نمونه پژوهش؛ در این ارتباط، نمونه‌گیری انجام نشده، بلکه منابع در دسترس، مطالعه و بررسی شده‌اند. نمونه در این پژوهش، متون انتخاب‌شده‌ای است که در آن بتوان مؤلفه‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی را احصاء کرد؛ همچون: قرآن، نهج‌البلاغه، اصول کافی و صحیفه نور [بیانات امام خمینی (ره)]. متون منتخب به صورت هدفمند و بر اساس سؤالات پژوهش گزینش شده‌اند.

ابزار پژوهش؛ از فرمهای فیش‌برداری به منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط استفاده شده است. **شیوه تحلیل داده‌ها؛** در این پژوهش، مطالب جمع‌آوری شده بر اساس اهداف و سؤالات پژوهش طبقه‌بندی شده و سپس بر اساس سؤالات تحقیق، مورد تحلیل قرار گرفته است.

▪ یافته‌های پژوهش

○ الف) تأکید امام خمینی (ره) در خصوص فرهنگ مطلوب دانشجویی

۱. لزوم هماهنگی مسیر دانشگاهیان و روحانیان با مسیر انبیا(ع)

«... اگر گمان کنید، یا ما گمان کنیم که علم منشأ سعادت است و لو هر چه باشد، این یک اشتباهی است، بلکه گاهی علم منشأ بسیاری از شقاوت‌هاست؛ چو دزدی با چراغ آید/ گزیده‌تر برد کالا (حکیم نظامی، ظاهراً مال اوست). اگر روحانی علم داشته باشد، لکن ایمان نداشته باشد، مسیرش مسیر انبیا نباشد، منشأ مفاسد بسیار می‌شود. اکثر این دین‌سازها که بوده است، اینها از طبقه ملاها بودند، ملاهایی که فقط علم به خیال خودشان کافی بوده است و دنبالش مسیر انبیا نبوده‌اند. اگر دانشگاه فقط دنبال این باشد که فرزندان ایران را با معلومات بار بیاورد، معلومات را، هی روی هم بریزد، این برای سعادت ملت ما فایده ندارد یا ضرر دارد. یک فرد دانشگاهی که انحراف پیدا نکند، غیر از یک فرد بازاری است، غیر از یک فرد کشاورز است. یک فرد روحانی که انحراف پیدا نکند، غیر از یک فرد بازاری و کارگر است. کارگر و بازاری، کشاورز و امثال اینها، اگر چنانچه یک انحرافی داشته باشند، انحراف شخصی برای خودش است، لکن انحراف اساتید و دانشگاه، انحراف خودش تنها نیست، انحراف یک گروه است. چه گروهی؟ آن گروهی که می‌خواهند مملکت را اداره کنند، گاهی به انحراف یک کشور منجر می‌شود». (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۶۱)

۲. تربیت دانشجو و توأم بودن آن با تقوا

«... گمان نشود که کسانی که ایمان ندارند، اینها هم خدمت به کشور می‌کنند و فرقی مابین آنها و آن کسانی که ایمان دارند نیست؛ والذین کفروا یا کلون کما تأکل الأنعام و النار مثوی لهم این آیه شریفه که این مطلب را می‌فرماید، دستور کلی است برای شناخت منحرف از غیر منحرف که ما چطور

منحرفها را بشناسیم و چطور غیر منحرفها را. منحرفها آنها هستند که فرقی به حالشان نمی‌کند که این پارک، این اتومبیل که به دستشان آمده، از راه صحیح آمده یا از راه دزدی؛ خیانت شده است و این به دستش رسیده است یا اینکه نه، روی امانت و روی یک کسب صحیح آمده است. هیچ فرقی به حال او نمی‌کند. او اتومبیل را می‌خواهد، او خوبی اتومبیل را می‌بیند. از کجا آمده؛ این اصلاً پیش او مطرح نیست، چنانچه پیش انعام هم مطرح نیست که از کجا آمده و آن اشخاص انحرافی نظیر همان حیوانات که از کجا آمده مطرح نیست؛ چی هست، مطرح است. شما می‌توانید که جوانها را تربیت کنید به یک تربیتی که تقوا در آن باشد، نظر این باشد که این از کجا آمده است، این شغل را کی به او داده است، این شغل چه شغلی هست و چه کاری باید اینجا انجام بدهد». (همان، ص ۲۶۲)

۳. دانشجوی مؤمن و معتقد به خدا؛ ضامن سعادت ملت و کشور

«شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاههای شما و ما تربیت شد، مملکتان را نجات می‌دهد. بنابر این، کار، کار بسیار شریف و مسئولیت، مسئولیت بسیار زیاد، اگر این مسئولیت به دوش ما و شماست. این مسئولیت بزرگ؛ یعنی سعادت ملت را، شما و ما باید بیمه کنیم؛ قشر روحانی و قشر دانشگاهی، سعادت ملت را شماها باید بیمه کنید ... اگر در دانشگاه شما انسان درست شد، او می‌خواهد ملت را نجات بدهد. در فکر این نیست که خودم چی باشم. مقام خودم چی باشد. می‌خواهد نجات بدهد و اگر طاغوتی شد، می‌خواهد استفاده کند. نمی‌خواهد نجات بدهد، می‌خواهد خودش را، برای خودش کار کند، نه برای کشور». (همان، ص ۳۷۱-۳۷۰)

۴. لزوم جدیت برای اسلامی کردن دانشگاهها

«دانشگاه، مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه - چه دانشگاه علوم قدیمه، چه دانشگاه علوم جدیده - سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد. دانشگاه را باید جدیت کرد، جدیت بکنید دانشگاه را درستش کنید، دانشگاه را اسلامی‌اش کنید. مملکت ما برای اسلام زحمت کشیده است و باید برای اسلام زحمت بکشد و می‌کشد و همه چیزش باید اسلامی بشود. همین توقع نباشد که دولت اسلامی باشد، خیر؛ همه باید اسلامی بشود، همه قشرها باید قشر اسلامی باشد که هر کس بیاید ببیند جمعیت را، ببیند که یک جمعیت الهی اینها هستند، یک جمعیت اسلامی اینها هستند». (همان، ص ۳۶۸)

۵. دانشجوی و نورانیت علم، عمل و اخلاق

«ما می‌خواهیم یک جمعیت نورانی پیدا بکنیم، یک قشرهای نورانی که وقتی وارد می‌شویم در یک دانشگاهی، عملش نورانی، علمش نورانی، اخلاقش نورانی، همه چیزش نورانی باشد، الهی باشد. پیروزی نه برای این است که ما برسیم به یک مثلاً آزادی، برسیم به یک استقلالی و منافع برای خودمان باشد، همین! همین دیگر تمام؟! حالا که دیگر منافع مال خودمان شد، دیگر کاری دیگر نداریم؟! اینها مقدمه است همه‌اش، همه‌اش مقدمه این است که یک ملت انسان پیدا بشود، یک ملتی که روح انسانیت در آن باشد پیدا بشود، تحول پیدا شود در خود اشخاص. آن چیزی که مطرح است پیش انبیا، انسان است. آن چیز، چیز دیگر نیست. انسان مطرح است پیش انبیا؛ چیز دیگر پیش انبیا مطرح نیست. همه چیز به صورت انسان باید درآید. می‌خواهند انسان درست کنند. انسان که درست شد، همه چیز درست می‌شود. رژیمها به تبع خارجی‌ها می‌خواستند که در این ممالک شرقی، انسان درست نشود. آنها از انسان می‌ترسند، آنها می‌خواهند که یک انسانی پیدا نشود. انسان اگر پیدا شد، زیر بار زور نمی‌رود انسان. انسان اگر پیدا شد، منافع مملکتش را به خارج نمی‌دهد. امین است انسان؛ انسان برای خدا کار می‌کند و برای خداست.» (همان، ص ۳۶۹-۳۶۸)

۶. لزوم توأم بودن تعلیم و تربیت برای دانشجویان

«مهم در دانشگاهها، دانشسراها، تربیت‌های معلم، تربیت‌های دانشجوی، این است که همراه با تعلیمات، تربیت انسانی باشد. چه بسا اشخاصی که در علم به مرتبه اعلای رسیده‌اند، لکن تربیت انسانی ندارند که یک همچو اشخاصی ضررشان بر کشور، ضررشان بر ملت، ضررشان بر اسلام، از دیگران زیادتر است. آن کسی که دانش دارد، لکن دانشش توأم با یک تهذیب اخلاق و یک تربیت روحی نیست، این دانش موجب این می‌شود که ضررش بر ملت و کشور زیادتر باشد از آنهایی که دانش ندارند. همین دانش را یک شمشیری می‌کند در دست خودش و با آن شمشیر دانش ممکن است ریشه یک کشور را از بین ببرد و قطع کند.» (همان، ص ۵۳۳)

۷. لزوم تلاش دانشجویان بر خودکفایی و دوری از غربزدگی

«... هر ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا بکند الا اینکه خودش، خودش را بفهمد. مادامی که خودشان را گم کردند، دیگران را به جای خودشان نشانند، استقلال نمی‌توانند پیدا کنند. کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. غرب در نظر یک قشری از این ملت، جلوه کرده است که گمان

می‌کنید غیر از غرب هیچ چیزی در هیچ جا نیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست. آنها الان در صددند که با هر جهتی که شده است شما را باز به خودشان متوجه کنند. همه کوشش‌شان این است که شما را وابسته قرار بدهند، وابسته کنند، نگذارند این وابستگی از بین برود و شما دانشجویان عزیز خودتان در صدد این باشید که از غریزدگی بیرون بیایید، این گمشده خودتان را پیدا کنید، گمشده شما خودتان هستید، شرق خود را گم کرده و شرق باید خودش را پیدا بکند. آنها در صددند که به هر ترتیب شده است خودشان را به ما تحمیل کنند و شما باید مقاومت کنید. شمایی که می‌خواهید مستقل باشید، می‌خواهید آزاد باشید، همچون خودتان سر پای خودتان ایستاده باشید، باید همه قشرها در این مملکت، همه قشرها بنای بر این بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزها بنای بر این بگذارند از زمین روزی خودشان را بیرون بیاورند و مملکت را خودکفا کنند و باید کارخانه‌های ما خودکفا و باید صنایع را خود این مردم، خود این توده‌های مردم صنایع را رشد بدهند و باید دانشگاهها خودکفا شوند که احتیاج به دانش غرب نداشته باشند». (همان، ج ۶، ص ۵۷۵-۵۷۳)

حضرت امام (ره) در جای دیگر، دانشجویان را دارای مسئولیتهایی نسبت به جامعه دانسته‌اند که رئوس مهم‌ترین آنها بدین قرار است: بیدارسازی خفتگان، آگاه‌سازی ملتها، طرد روحانی‌نماهای منحرف، استفاده از فرصتها، دفاع از اسلام و میهن، زنده نگه داشتن شعائر اسلام، اعتلای پرچم اسلام در دانشگاهها، تحصیل علم با کمال جدیت، خودیابی و خودباوری. (همو، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶)

○ (ب) مؤلفه‌های ارزشی حاکم بر فرهنگ مطلوب دانشجویی بر اساس قرآن و سنت

علم نردبانی است که دانشجو به واسطه آن بر بام فضیلتها صعود می‌کند و از منجلاب رذیلتها نجات می‌یابد. علم‌آموزی از جمله روشهای تربیت عقلانی محسوب می‌شود که به دلیل همبستگی بین عقل و هدایت، هدایت‌یافتگی می‌تواند ثمره شیرین آن شود (صفوی، ۱۳۹۰). حفص بن غیاث می‌گوید؛ امام صادق (ع) به من فرمودند: «هر که برای خدا دانش بیاموزد و بدان عمل کند و برای خدا به دیگران بیاموزد، در ملکوت‌های آسمانها بزرگش خوانند و گویند: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا یاد داد». (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۳-۸۲)

مؤلفه‌های ارزشمندی در حوزه ارزشهای حاکم بر فرهنگ مطلوب دانشجویی دیده می‌شود که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

۱. خدامحوری

محوریت خدای سبحان در تمام جهات زندگی دانشجوی، در هر سه مرتبه اندیشه، قلب و عمل مطرح است. خداوند متعال در کانون تقدس قرار گرفته و هیچ ذاتی در عرض او نخواهد بود. چنین تفکری از آنجا نشئت می‌گیرد که: «ذَکَّکَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أُنْ مَا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ...»؛ یعنی این بدان سبب است که خدا حق است و آنچه جز او به خدایی می‌خوانند، باطل است (حج، آیه ۶۲). از آنجا که نیت در همه کارهای انسان اصل است، دانشجوی نیز ناگزیر است هدفی را در فراگیری علم برگزیند و چه بهتر که جلب رضای خداوند، زدودن جهل در خودش و دیگران، تقویت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر مورد اهتمام وی قرار بگیرد. محوریت خدا در مرتبه قلب بدین معناست که دانشجوی در قلب خود به چیزی یا کسی جز خدا تعلق نداشته باشد. چه بسا تعلقات دنیوی باعث شوند قلب جوینده علم به جای اینکه مملو از محبت خداوند شود، پر از گرایش به آنها شود؛ در حالی که پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «هر که دانش می‌جوید، خداوند روزی‌اش را به عهده می‌گیرد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۱۹). همچنین امام باقر(ع) می‌فرماید: «هر کس به جستجوی دانش برآید، برای اینکه بر دانشمندان بی‌الد یا با سفیهان بستیزد یا توجه مردم را به خود جلب کند، باید جای خود را در آتش برگزیند. ریاست جز برای اهل آن، شایسته نیست». (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۰)

هر دانشجوی در کنار اندیشه خدامحور و تعلق قلبی به خدا، در مقام عمل نیز باید محور تمام اعمالش خداوند باشد. در جلد اول کتاب «عیون اخبار الرضا» اثر *داود ابن سلیمان*، نقل است که امام رضا(ع) از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل فرمودند: «دنیا تماماً جهل است مگر مواضع علم؛ و علم تماماً بر انسان ریا می‌باشد مگر آنچه خالصانه باشد و اخلاص هم در معرض خطر است تا اینکه انسان ببیند عاقبت و پایان کارش چه می‌شود». (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ص ۵۷۲)

همچنین امام صادق(ع) درباره آیه «انما یخشی الله من عباده العلماء» (فاطر، آیه ۲۸) فرمودند: مقصود از دانشمند کسی است که کردارش، گفتارش را تصدیق کند و آنکه کردارش، گفتارش را تصدیق نکند، دانشمند نیست. (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۸۵-۸۴)

پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «تحصیل دانش بر هر مسلمانی واجب است. با دانش است که پروردگار فرمانبری و پرستش می‌شود و با دانش است که پیوندهای خویشاوندی برقرار می‌ماند و حلال و حرام بازشناخته می‌شود. دانش پیشوای عمل است و عمل پیرو آن می‌باشد. به نیکبختان، دانش الهام می‌شود و شوربختان از آن محروم می‌شوند» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۱۵). همچنین فرمودند: «گروهی از بهشتیان به گروهی از دوزخیان می‌نگرند و می‌گویند: ما به برکت تربیت و آموزش شما به بهشت رفتیم. چه

شده است که شما خود به دوزخ افتاده‌اید؟ گویند: ما به نیکی فرمان می‌دادیم ولی خود به آن عمل نمی‌کردیم». (همان، ص ۷۲۷)

۲. حق‌مداری

«حق» از ریشه حقق و «حقّ الشیء» به معنای «وجب وجوباً: امری واجب شد» است و «أحقّ الرجل» به این معنا که: آن مرد حقی گفت یا ادعای حقی کرد یا راست گفت. عده‌ای معتقدند که «الحق» از اسمای خداوند است و البته عده‌ای دیگر آن را از صفات خدا می‌دانند. به گفته ابن‌اثیر: «خدا در حقیقت موجود است و وجود و الهیت اوست که متحقق است». پس اصل حق به معنای مطابقت و موافقت است که به معنای واجب و لازم و شایسته نیز به کار می‌رود (سرشار، ۱۳۸۲، ص ۳۵). در مقابل آن، واژه باطل از ریشه «بطل / یبطل» به معنای باطل شد، است. «أبطلت» یعنی دروغ گفتم و ادعای غیر حق کردم؛ «تبطل» به معنای پیروی از لهو و جهالت است و «البطل» به شخصی گفته می‌شود که جراحتش را نادیده می‌انگارد. به عبارتی؛ ادعایی بر خلاف حقیقت جراح خود می‌کند. (همان)

با تأمل در آیات قرآن دریافت می‌شود که معیار حق، خدای متعال است و هر چه در برابر خدا قرار گیرد، باطل است؛ به گونه‌ای که در آیه ۶۲ سوره حج و سایر آیات بدان اشاره شده است: «ذلک بأنّ الله هو الحقّ و أنّ ما يدعون من دونه هو الباطل و أنّ الله هو العلیّ الکبیر»؛ حقیقت این است که خدای یکتا، حق مطلق است و هر چه جز او خوانند، باطل صرف است. وقتی خداوند معیار حق و حق مطلق معرفی شد، منتهای مقصد یک دانشجو در فرهنگ اسلام نیز رسیدن بدان خواهد بود. قرآن در آیه دیگری هدف آفرینش را علم به توانایی و احاطه علمی خداوند بیان می‌کند. به عنوان نمونه در آیه ۱۲ سوره طلاق می‌فرماید: «الله الذی خلق سبع سموات و من الأرض مثلهنّ ینزل الأمر بینهنّ لتعلموا أنّ الله علی کلّ شیء قدير و أنّ الله قد احاط بکلّ شیء علماً»؛ یعنی خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمانها از زمین خلق فرمود و امر نافذ خود را در بین هفت آسمان و زمین نازل کند تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور آگاه است.

۳. آخرت‌گرایی

عدم ایمان به آخرت، زیربنای اصول اعتقادی مکاتب الحادی است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «ان الذین لا یؤمنون بالاخره زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون» (نمل، آیه ۴)؛ اعمال آنها را که به آخرت ایمان ندارند در نظرشان بیاراستیم؛ از این رو سرگشته مانده‌اند. در حالی که در مکتب اسلام، اعتقاد بر حیات

اخروی جزء اصول دین محسوب می‌شود و خداوند وعده فرموده است که هر کس کشت آخرت را بخواهد، به کشته‌اش می‌افزایم.

همچنین در قرآن کریم آمده است: «و من اراد الاخره و سعی لها سعیها و هو مؤمن فاولئك کان سعیهم مشكورا» (اسراء، آیه ۱۹)؛ و هر که خواهان آخرت باشد و در طلب آن سعی کند و مؤمن باشد، جزای سعی‌اش داده خواهد شد. دانشجوی پرورش‌یافته در این فرهنگ، در مسیر علم‌آموزی، هدفش را منفعت دنیایی خود قرار نمی‌دهد و به واسطه علمش بر دیگران فخرفروشی نمی‌کند.

حضرت امام صادق (ع) می‌فرمایند: «من اراد الحدیث لمنفعه الدنیا لم یکن له فی الاخره نصیباً و من اراد به خیر الاخره أعطاه الله خیر الدنیا و الاخره»؛ هر کس به خاطر منفعت دنیوی احادیث معصومین (ع) را بگوید، در آخرت پاداشی نصیب او نخواهد شد؛ ولی اگر به واسطه آن احادیث، خیر آخرت را اراده کند، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او اعطا می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۲۱، ص ۳۶)

همچنین از ایشان نقل شده است که فرمودند: «زمانی که دیدید عالمی دوستدار دنیا شده است، پس او را در مورد دینتان متهم قرار دهید؛ چرا که محبت هر شی‌احاطه می‌کند آنچه را که دوست دارد». همچنین می‌فرمایند: «خداوند متعال به داود (ع) وحی فرمود قرار نده بین من و بین خودت کسی را که به واسطه دنیا فریب خورده است؛ چرا که تو را از راه دوستی من مانع می‌شود. لذا اینها قطع‌کنندگان راه بندگان من هستند. همانا برترین چیزی که من به واسطه اینها می‌گیرم، اینکه حلاوت مناجاتم را از قلبهایشان می‌برم». (همان)

۴. هدایت‌جویی و عقل‌ورزی

هدایت، به سمت و معنای خلقت ناظر است و بنابر این، هیچ خلقتی بی‌هدایت نتواند بود. در ارتباط با انسان، هدایت در دو مرحله انجام می‌پذیرد؛ در مرحله نخست، هدایت به معنای «نمودن» راه است. در این نوع هدایت، راه و بیراه، شناسانده می‌شود و تمیز فجور و تقوا فراهم می‌آید. در نوع دیگر هدایت، پیمودن مطمئن نظر است. هادی در این معنا، کسی نیست که راه را نشان دهد، بلکه به کسی گویند که راه را برود و هدایت‌شونده را به دنبال خود ببرد. البته نیل به این هدایت، در گرو تن دادن به هدایت نخست است (باقری، ۱۳۸۸/الف، ج ۱، ص ۷۶). از آنجا که میان عقل‌ورزی و هدایت، همبستگی وجود دارد و عقل به سبب کنترل و بازدارندگی در مقام شناخت و عمل، مایه هدایت و راهجویی آدمی به مبدأ هستی است و این با کمترین سرمایه عقل؛ یعنی گمان نیز تا حدی قابل نیل است؛ لذا کسی که به این هدایت دست نیابد، از عقل‌ورزی بازمانده است. (همان)

با توجه به رابطه عقل‌ورزی و هدایت‌یافتگی از یک سو و نقش علم‌آموزی در شکوفایی عقل از سوی دیگر، برای دانشجوی پرورش‌یافته در فرهنگ اسلامی، دستیابی به هدایت از جمله ارزشهای بنیادی به شمار رفته، در سلسله اهداف ترسیمی از جایگاه والایی برخوردار خواهد شد. در فرهنگ قرآن، هدایت در مقابل ضلالت مطرح شده است؛ به گونه‌ای که در آیات ابتدایی سوره بقره، ضمن برشمردن صفات هدایت‌یافتگان، از کافران و منافقان به دلیل پیمودن راه گمراهی به: «و ما کانوا مهتدین» (بقره، آیه ۱۶) یاد شده است و اینان در کلام الهی به «بی‌خردان» شهرت یافته‌اند که این بی‌خردی در گمراهی‌شان بی‌تأثیر نبوده است. قرآن در جای دیگری می‌آموزد که عقل جز در بستر علم نمی‌روید؛ گر چه هر عالمی نمی‌تواند عاقل باشد: «... و ما یعقلها الا العالمون»؛ و به جز مردم دانشمند، کسی تعقل آن نخواهد کرد. (عنکبوت، آیه ۴۳). حاصل سخن اینکه، هدایت‌جویی با عقل‌ورزی و علم‌آموزی ارتباط دارد؛ در فرهنگ اسلام، اینها از هم جدا نیستند و دانشجوی مسلمان در صدد رسیدن به این افق روشن است.

۵. علم‌آموزی

علم و عالم در فرهنگ اسلامی، نقش حیاتی و اساسی دارند. علم، دارای مراتب، مدارج و منابع گوناگون است و بین مراتب آن، همانند مراتب هستی، پیوند و ربطی دقیق وجود دارد و قله آن، علم الهی است که نظام تکوین زیرنشین آن است. در گرایشهای گوناگون فلسفه اسلامی و در دیدگاه عرفانی، به بیانهای متفاوت، علم خداوند منشأ عالم است. خداوند، عالم مطلق است و همه علوم، مظاهر بیکران علم اوست. انسان کامل که خلیفه خداوند است، عالم به جمیع اسمای الهی و معلم ماسواست و به همین دلیل نیز مسجود ملائک است. قیمت هر کس به علم اوست: «قیمه کل امرء ما یعلم». انسان آنگاه به کمال می‌رسد که به مفاد زیارت جامعه کبیره، خزینه‌دار علم الهی باشد: «خزان العلم و منتهی الحلم». (پارسانیا، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴)

در بیان فضیلت علم همین بس که در قرآن، بهره‌های طبیعی و مادی، برای افراد عادی و حیوان مشترک مطرح شده است؛ از جمله: «متاعا لکم و لأنعامکم» (نازعات، آیه ۳۳) یا: «کلوا و ارعوا انعامکم» (طه، آیه ۵۴). اما وقتی از توحید و معرفت الهی سخن به میان می‌آید، عالم موحد را در کنار ملائکه ذکر می‌کند: «و الملائکه و اولوالعلم» (آل عمران، آیه ۱۸). به تعبیر حضرت سجاد(ع)؛ عظمت علم، چنین فضیلتی به عالم بخشیده است که در ردیف فرشتگان قرار گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۳). از این رو، جایگاه دانشجوی در اسلام ستودنی است؛ به گونه‌ای که پیامبر خدا(ص) در روایتی می‌فرماید: «هر که دانش بجوید، مانند کسی است که روز خود را به روزه گذراند و شبش را به عبادت. اگر کسی یک باب علم بیاموزد،

مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت ❖ ۹۳

برایش بهتر است از اینکه کوه ابو قبیس طلا باشد و او آن را در راه خدا انفاق کند». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۱۹)

«همه اشیا، حتی ماهیان دریا و حشرات و خزندگان روی زمین و درندگان و چرندگان صحرا، برای جوینده دانش، آموزش می‌طلبند»؛ «جویای دانش، جویای رحمت است؛ جوینده دانش، رکن اسلام است و پاداشش با پیامبران داده می‌شود»؛ «هر که دانش می‌جوید، خداوند روزی‌اش را به عهده می‌گیرد». (همان)

همچنین امام علی(ع) در خصوص اهمیت علم آموزی می‌فرماید: «پس در فراگیری علم و دانش پیش از آنکه درختش بخشکد، تلاش کنید و بیش از آنکه به خود مشغول شوید، از معدن علم اهل بیت(ع) دانش استخراج کنید. مردم را از حرام و منکرات بازدارید و خود هم مرتکب نشوید؛ زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود، محرمات را ترک و سپس مردم را باز دارید». (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵)

«... بدانید! بندگان که نگاهدار علم خداوندند و آن را حفظ می‌کنند و چشمه‌های علم الهی را جوشان می‌سازند، با دوستی خدا با یکدیگر پیوند داشته، یکدیگر را دیدار می‌کنند؛ جام محبت او را به همدیگر می‌نوشانند و از آبشخور علم او سیراب می‌شوند؛ شک و تردید در آنها راه نمی‌یابد و از یکدیگر بدگویی نمی‌کنند؛ سرشت و اخلاقتشان با این ویژگی‌ها شکل گرفته است و بر این اساس، تمام دوستی‌ها و پیوندهایشان استوار است. آنان چونان بذرهای پاکیزه‌ای هستند که در میان مردم گزینش شده، آنها را برای کاشتن، انتخاب و دیگران را رها می‌کنند. با آزمایشهای مکرر، امتیاز یافتند و با پاک کردنهای بی‌دری، خالص شدند». (همان، خطبه ۲۱۴)

○ ج مؤلفه‌های اعمال دانشجو در فرهنگ مطلوب دانشجویی از منظر قرآن و سنت

۱. احترام به استاد

قرآن در بیان داستان حضرت موسی(ع) در مقام شاگردی و برخورد ایشان با حضرت خضر در سمت استادی، که در آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، یکی از فرازها را به ادب و احترام حضرت موسی(ع) نسبت به حضرت خضر اختصاص داده است و می‌فرماید: «قال له موسی هل اتبعک علی أن تعلمن مما علمت رشدًا» (کهف، آیه ۶۶)؛ موسی به آن شخص دانا گفت: آیا اگر من تبعیت و خدمت تو کنم از علم (لدنی) خود مرا خواهی آموخت؟

اینکه تقاضای حضرت موسی(ع) به صورت امری نبوده، بلکه در قالب پرسش و استفهام است، خود نوعی احترام گفتاری است و حاکی از اینکه: اولاً، احترام می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ ثانیاً، شأن و جایگاه فردی در آن رعایت شده باشد و ثالثاً، شرطی برای پیروی خود مطرح نکرد. پذیرفتن شاگردی خضر، تعظیم

علم استاد و اسناد آن به مبدئی نامعلوم (خدا) و بالا بردن شأن استاد، همه مواردی حاکی از رعایت ادب و احترام نسبت به استاد بودند که در قرآن بدان پرداخته شده است. (طباطبایی، بی تا، ج ۱۳، ص ۴۷۶)

امام علی (ع) در خصوص احترام به استاد، وظایف دانشجو را چنین بر می شمارند: «از جمله حقوقی شخص دانشمند بر تو (دانشجو) این است که (هر گاه در میان جمعی بود) بر همگان سلام کنی و به او نیز اختصاصاً سلام گویی؛ روبه‌رویش بنشینی؛ در حضور او با دست و چشم و ابرو اشاره نکنی؛ در مخالفت با نظر او نگوئی. فلانی چنین گفته است؛ نزد او از کسی غیبت نکنی؛ در مجلسش در گواشی صحبت نکنی؛ جامه‌اش را نگیری؛ اگر خسته بود، در سؤال کردن اصرار نوری؛ از طول مجالسش به تنگ نیایی؛ زیرا حکایت همنشینی با او، حکایت درخت خرما می است که انتظار می کشی تا کی از آن چیزی برای تو بیفتد». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۲۳)

امام سجاد (ع) نیز در بیان وظایف دانشجو در قبال استاد خود چنین می فرماید: «حق استاد تو این است که به او احترام گذاری؛ محضرش را موقر داری؛ با دقت به سخنانش گوش بسپاری؛ رویت به او باشد و به او توجه کنی؛ صداقت را بر او بلند نکنی؛ هر گاه کسی از او سؤال کند، تو جواب ندهی، بلکه بگذاری خودش جواب دهد؛ در محضر او با کسی سخن نگوئی؛ در حضورش از کسی غیبت نکنی؛ اگر پیش تو از او بدگویی شود، از وی دفاع کنی؛ عیبهایش را بپوشانی و خوبی‌ها و صفات نیکش را آشکار سازی؛ با دشمن او همنشینی نکنی و با دوستش دشمنی نوری. هر گاه این کارها را کردی، فرشتگان خدا در باره‌ات گواهی دهند که تو برای رضای خداوند جلّ اسمه نه برای مردم، نزد آن استاد رفته‌ای و دانش او را فرا گرفته‌ای». (همان، ص ۷۱۵-۷۲۳)

۲. تلاش و کوشش

دانشجو باید کوشش، پایداری و مواظبت داشته باشد. گفته شده است که هر کس چیزی را بجوید و تلاش کند، می یابد و هر کس دری را بکوبد و اصرار ورزد، داخل می شود. در تحصیل علم، تلاش و کوشش از جمله عوامل مهم موفقیت است. دانشجو باید استمرار در مطالعه داشته باشد و در درس پایداری و تکرار در اول شب، آخر آن و بین دو عشا و وقت سحر، ملکه او شود (طوسی، ۱۳۷۷). روایت از معصوم (ع) است که: «بورک لأمّتی فی بکورها»؛ برای اتم سحرگاهها مبارک شده است. همچنین آمده است: «اغدوا فی طلب العلم، فأنی سألت ربّی أن یبارک لأمّتی فی بکورها»؛ صبح زود در طلب علم بروید، پس همانا من از پروردگارم خواسته‌ام که سحرگاهها را برای اتم مبارک قرار دهد. (طباطبایی، ۱۴۲۱، ص ۸۳)

۳. نظم و برنامه‌ریزی، خلاقیت و نوآوری

نظم و برنامه‌ریزی در فرهنگ اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که امام علی (ع) در نامهٔ چهل و هفتم نهج البلاغه به امام حسن و امام حسین (ع) نظم در امور زندگی را سفارش می‌فرماید. امام خمینی (ره) که منادی اسلام ناب محمدی (ص) در عصر حاضر و پرورش‌یافتهٔ مکتب قرآن و سنت بودند، زندگی منظمی داشتند و در کسوت شاگردی و استادی، خویش را بدان مقید می‌کردند. ایشان در درس، نظم خاصی داشتند؛ حتی طلاب می‌گفتند ما ساعت‌هایمان را با آمدن حاج آقا روح‌الله تنظیم می‌کردیم، برای مثال، اگر درس ایشان ساعت نه و سی دقیقه بایست شروع می‌شد، اگر برف می‌آمد، اگر آفتاب داغ بود، اگر باران می‌آمد یا ...، رأس موعده مقرر درس را شروع می‌کردند (سبحانی‌نژاد و رسولی، ۱۳۸۸، ص ۹۲-۹۱). غیوری در بیان خاطرات خود از جلسات درس امام خمینی (ره) می‌گوید: «اینجانب در تمام عمرم کسی را منظم‌تر از امام (ره) ندیده‌ام. حدود چهار سال و نیم در یک دورهٔ اصول ایشان شرکت داشتم، ولی فقط دو روز تعطیلی از ایشان دیدم. سعی می‌فرمودند دقیق سر وقت تشریف بیاورند. گاهی که ساعت‌های ما خوابیده بود، آن را روی آمدن ایشان کوک می‌کردیم. من در طول عمرم کسی را منظم‌تر از ایشان ندیده‌ام. تمام کارهایشان دقیق و منظم بود. (همان، ص ۹۲)

نوآوری از الزامات حوزه‌های علمی شیعه بوده است. محصلین در مرحلهٔ عالی از سطوح تحصیلات خود به اجتهاد می‌رسیدند و با استفاده از منابع دین؛ یعنی عقل و نقل، به نیازهای جامعهٔ اسلامی پاسخ می‌دادند. لذا دانشجو در برخورد با منابع درسی، ضمن اشراف بر آنها باید منتقدانه عمل کند و صرفاً به ترجمهٔ آثار دیگران اکتفا نکند و خلاقانه به توسعهٔ سطح دانش و رشتهٔ تحصیلی خود بپردازد.

۴. شکرگزاری

دانشجو باید با زبان و عمل به شکر خداوند مشغول باشد؛ به خاطر اینکه توفیق فهم و دانش که از بالاترین توفیقات به شمار می‌رود، نصیب او شده است و از خداوند متعال توفیق هدایت را طلب کند؛ چرا که پروردگار عالم، هدایت می‌کند کسی را که طلب هدایت می‌کند: «من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله کل شیء قدرًا». (طوسی، ۱۳۷۷)

۵. دقت در انتخاب دوست

هر انسانی در زندگی خود پیوندها و روابطی با دیگر هموعان خود دارد. این پیوندها و روابط گاه از مرز روابط مصلحتی و سودجویانه فراتر رفته، به روابط و پیوندهایی می‌انجامد که پرتوی از معنویت

در آن تجلی می‌کند (مدرسی، ۱۳۷۶). این نوع روابط را در اصطلاح، «دوستی» و بنیانگذاران آنها را «دوستان» می‌نامند. دوری گزیدن و کناره‌گیری از مردم، پدیده‌ای است که سیطره‌ی ماده و مادیات بر معنا و معنویات و نیز خودمحوری و خودخواهی و پیامدهای این دو خصلت که خود زاده‌ی مادیات هستند، آن را تحمیل کرده است که نتیجه‌ی آن می‌تواند پیدایش فساد و تبهکاری باشد. به دلیل ضرورت مسئله‌ی دوستی در زندگی انسانها به ویژه دانشجویان، توجه به سفارشهای قرآن و سنت حائز اهمیت است. لقمان در سفارش به فرزندش در خصوص ویژگی‌های دوستان چنین می‌گوید: «فرزندم، با دانشمندان مصاحبت کن و بدیشان نزدیک شو و با آنان همنشینی کن و در خانه‌هایشان به دیدارشان برو تا شاید همانند ایشان شوی و در زمره‌ی آنان در آیی. با پارسایان و نیکان ایشان بنشین؛ چه بسا خداوند رحمتی شامل حال آنان کند و بدین ترتیب تو را نیز از آن نصیبی رسد و اگر شایسته و پارسا بودی، از مردمان بد و نادان دوری گزین؛ چه ممکن است خداوند عذابی بر آنان نازل کند که تو نیز گرفتار آن شوی». (همان، ص ۴۵)

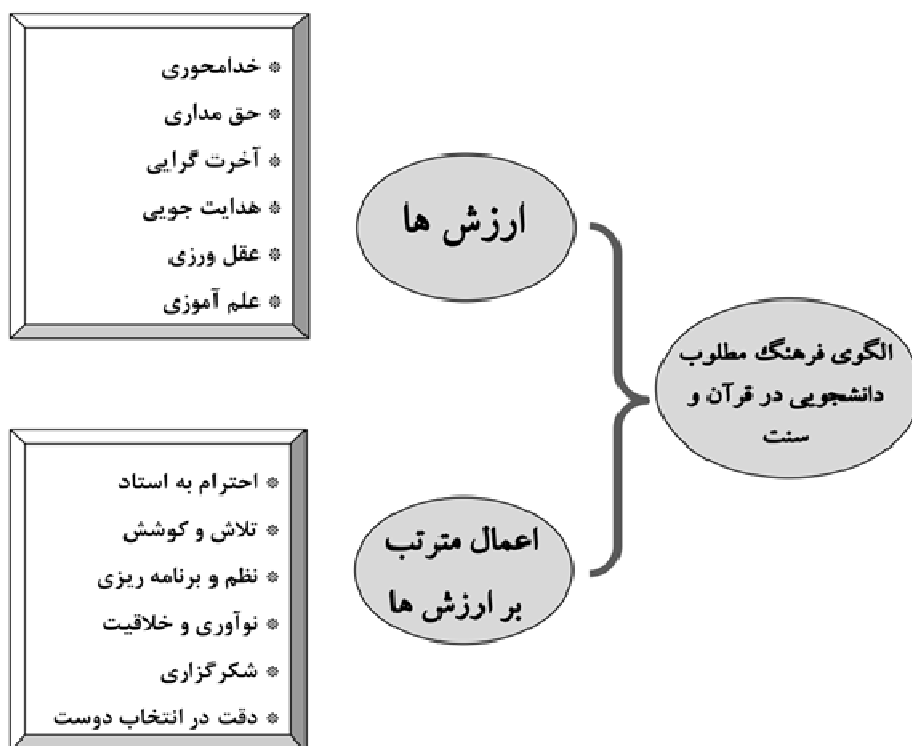
پیامبر (ص) می‌فرماید: «انسان، بر دین دوست خویش است، پس بنگرید با که دوستی می‌ورزید». (همان) امام حسن (ع) نیز می‌فرماید: «تا جایگاه آمد و شد فردی را نشناختی، با او برادری مکن. اما چون کاملاً او را آزمودی و معاشرت و همنشینی وی را پسندیدی، با او برادری کن بر گذشت از لغزش و یاری رساندن در سختی». (همان)

قرآن از زبان کسی که از دام همنشین بد رهایی یافته و به بهشت درآمده است می‌گوید: «یکی از آنها گوید: مرا همنشینی بود که می‌گفت آیا تو از آنها هستی که تصدیق می‌کنند؟ آیا آنگاه که مُردیم و خاک و استخوان شدیم، کیفرمان می‌دهند؟ گوید: می‌توانید از بالا بنگرید و او را در میان آتش دوزخ ببینید، گویدش به خدا سوگند نزدیک بود که مرا به هلاکت افکنی و اگر موهبت پروردگارم نبود من نیز همراه تو می‌بودم». (صافات، آیه ۵۷-۵۱)

دوستی می‌تواند به اهداف بلند و متعالی منتهی شود؛ که اتحاد جمعیتها، تشکیل گروهها و سازمانهای متعدد از جمله آنهاست. اسلام در آیات متعدد قرآن و همچنین از لسان معصومین (ع) بدین موضوع اشاره و تأکید کرده است؛ چنان که در آیات ذیل مشاهده می‌شود: «همانند آن کسانی باشید که پراکنده گشته و با یکدیگر اختلاف ورزیدند» (آل عمران، آیه ۱۰۵)؛ «هرگز راه اختلاف و منازعه را نپویید که در اثر تفرقه، ترسو و ضعیف می‌شوید و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد» (انفال، آیه ۴۶). لذا در فرهنگ دانشجویی از منظر منابع اسلامی، جایگاه دوست و نقش دوستان در پیمودن مسیر موفقیت و سلامت جامعه دانشگاهی مهم است.

مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت ♦ ۹۷

دانشگاه برای تثبیت هویت فرهنگی باید در سه ساحت الف) اندیشه و صورت، ب) راهبرد و روش، ج) سیاست و دین تلاش کند (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۶، ص ۵۲). مؤلفه‌های الگوی فرهنگ دانشجویی نمی‌تواند جدا از ارزشهای دینی باشد و این ارزشها در صورتی تأثیرگذاری بیشتری خواهند داشت که در عرصه عمل، به منصه ظهور برسند. در واقع؛ سیاست آموزشی نمی‌تواند جدا از فرهنگ آن باشد و به رشد هم برسد. الگوی ذیل، این چارچوب را به تصویر می‌کشد.



ارزش‌ها و اعمال مترتب بر آنها در الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی از منظر قرآن و سنت

▪ بحث و نتیجه‌گیری

آموزش عالی در قرن بیست و یکم در بُعد فرهنگی با چالش‌هایی از جمله: چالش سنت و تجدد، هویت، اوقات فراغت، فرهنگ‌های قومی، زبانی و مذهبی، قومیتها و خرده‌فرهنگها، جهانی‌شدن و تهاجم فرهنگی، مشارکت‌جویی، جامعه‌پذیری و اشتغال روبه‌روست. برای فائق شدن بر این چالشها، توسل به فرهنگ غنی اسلام در عرصه علم‌آموزی می‌تواند مؤثر باشد. دانشجوی مسلمان باید آیین فرهنگ اسلام باشد و در پی تلاش، دقت، پیشرفت، شکوفایی، عدالت‌خواهی و نشاط باشد؛ نه اینکه آیین دل‌او زنگار بسته باشد. این آیین مکدر، دانشجوی مسلمان نیست. فرهنگ دانشجوی ایرانی، فرهنگ اسلام ناب محمدی (ص) است (مجله گلبرگ، ۱۳۸۱، ص ۴۸). فرهنگ علم‌آموزی و دانشجویی در اسلام، از جایگاه والایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که خداوند در آیات ۱۵۱ بقره، ۲ جمعه و ۱۶۴ آل عمران، امر خطیر تعلیم و تربیت را به عهده رسول مکرم اسلام (ص) نهاد و دانشمندان مسلمان نیز از زمان ظهور اسلام تا کنون، چارچوب‌هایی را برای آن تدوین کردند. شیخ طوسی در کتاب «آداب المتعلمین» و شهید ثانی در کتاب «منیه المرید»، به تبیین فرهنگ دانشجویی پرداخته‌اند. همچنین حجتی در کتاب «آداب تعلیم و تعلم در اسلام»، ضمن اضافه کردن برخی از مطالب مفید، به ترجمه منیه المرید همت گمارده است. امام خمینی (ره) با الهام از آموزه‌های اسلام و مفاهیم متعالی آن، در تبیین ویژگی‌های دانشگاه اسلامی و دانشجوی مسلمان، رهنمودهای ارزنده‌ای را مطرح فرموده‌اند که پس از تحلیل اسنادی، موارد ذیل از مهم‌ترین آنهاست:

۱. هماهنگی مسیر دانشگاهیان با راه انبیا(ع)؛
۲. جدیت در اسلامی کردن دانشگاهها؛
۳. توأم بودن تربیت دانشجویان با تقوا؛
۴. نورانیت دانشجو در علم و عمل و اخلاق؛
۵. دانشجوی مؤمن؛ ضامن سعادت ملت و کشور؛
۶. لزوم تلاش دانشجویان بر خودکفایی؛
۷. دانشجویان و دوری از غربزدگی؛
۸. کوشش دانشگاهیان در انسان‌سازی؛
۹. توأم بودن تعلیم با تربیت؛
۱۰. توجه به مسئولیت بزرگ دانشگاهها در سعادت ملت.

مؤلفه‌های الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت ♦ ۹۹

چنانچه ملاحظه می‌شود، در اندیشه امام خمینی (ره)، دانشجویان نقشی اساسی در ارائه فکر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایفا می‌کنند. در همین راستا و با مبنا قرار دادن قرآن و سنت در ترسیم الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی، به مؤلفه‌هایی در حوزه ارزشها و اعمال مترتب بر آن دست یافته‌ایم که به قرار ذیل است:

۱. خدامحوری؛
۲. حق‌مداری؛
۳. آخرت‌گرایی؛
۴. هدایت‌جویی؛
۵. عقل‌ورزی؛
۶. علم‌آموزی؛
۷. احترام به استاد؛
۸. تلاش و کوشش مداوم؛
۹. نظم و برنامه‌ریزی؛
۱۰. نوآوری و خلاقیت؛
۱۱. شکرگزاری؛
۱۲. دقت در انتخاب دوست.

با ترسیم الگوی فرهنگ مطلوب دانشجویی در قرآن و سنت، گامی اساسی برای عملیاتی کردن اندیشه‌های امام خمینی (ره) در زمینه اسلامی کردن دانشگاهها برداشته می‌شود که می‌تواند در هموار ساختن مسیر مؤثر باشد.

▪ پیشنهادها

- ۱- تحوّل و بازنگری در حیطة فلسفی و نگرشی در حوزه‌های فکری جامعه و دانشگاه به منظور استقرار فرهنگ ناب دانشجویی و علم‌آموزی اسلام.
- ۲- بازآفرینی فرهنگی از طریق برنامه‌داری پنهان؛ نباید از نقش برنامه‌های درسی پنهان در شکل‌دهی فرهنگی غفلت کرد. در برخی موارد بهتر است تعلیم آموزه‌های فرهنگی اسلام به طور غیر مستقیم، غیر رسمی و ضمنی صورت گیرد؛ چرا که گاهی تأثیر این نوع آموزشها بیشتر از آموزشهای مستقیم و رسمی است.
- ۳- معرفی مؤلفه‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در قالب آموزشهای ضمن خدمت به استادان و مربیان.
- ۴- آشنایی استادان و دانشجویان با مؤلفه‌های شاگردپروری منبعث از منابع دینی.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۸۰)؛ ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)؛ دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱)؛ صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸/الف)؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران، انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو (۱۳۸۸/ب)؛ هویت علم دینی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۷۸)؛ «علم سکولار و علم دینی»، مجموعه مقالات و مصاحبه‌های برگزیده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- تری یان‌دیس، هری من (۱۳۸۸)؛ فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فنی، تهران، رسایش.
- جعفرزاده، محمد حسن (۱۳۸۵) نهضت تولید علم، قم، انتشارات فجر ولایت
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)؛ ادب فنای مقربان، شرع زیارت جامعه کبیره، ج ۳، قم، اسراء.
- حجتی، سید محمدباقر (۱۳۸۷)؛ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و حمیده رسولی (۱۳۸۸)؛ «تبیین جایگاه و ضرورت شاگرد پروری و مؤلفه‌های آن به منظور اثربخش‌سازی نظام آموزش و پژوهش دانشگاهی»، مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال سیزدهم، ش ۴.
- سرشار، مژگان (۱۳۸۲)؛ ارزشها و ضد ارزشها، تهران، سوشیا.
- شیخ صدوق (۱۳۷۲)؛ عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- صفوی، سید علیرضا (۱۳۹۰)؛ تبیین و بررسی مبانی معرفت‌شناختی اسلامی‌سازی علوم و نقش آن در تحقق تربیت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده علوم انسانی،

دانشگاه شاهد.

- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا)؛ **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، سید محمدرضا (۱۴۲۱ ق)؛ **المراد من منیه المرید**، قم، دارالعلم.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۷)؛ **آداب المتعلمین**، ترجمه محسن آخوندی، قم، نهاوندی.
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۳۸۳)؛ **اصول کافی**، ترجمه صادق حسن زاده، قم، صلوات.
- **مجله گلبرگ** (۱۳۸۱)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی وابسته به پایگاه حوزه، ش ۳۶ (آذرماه).
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)؛ **منتخب میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
- مدرسی، سید هادی (۱۳۷۶)؛ **دوستی و دوستان**، ترجمه حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۶)؛ **سند اهداف، راهبردها و برنامه‌های معاونت فرهنگی و اجتماعی**، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

